

سازمان تجارت جهانی و رویکرد ایران

وقتی پس از پایان جنگ جهانی دوم، تلاش کشورها برای ایجاد سازمانی به منظور ساماندهی تجارت جهانی ناکام ماند، کسی نمی‌دانست چنین رویایی در چه زمانی تحقق علمی پیدا خواهد کرد. از آن زمان بسیاری از کشورها چه بسا تلاش کرده‌اند تا نسبت به ایجاد موانع در برابر ورود کالاهایی که امکان تولید اقتصادی آن‌را نداشته‌اند، اقدام کنند. چنین روشی در جهانی که تحت سیطره‌ی قدرت‌های بزرگ، به جنگ سرد کشیده شده بود، نه تنها دور از ذهن نبود، بلکه کاملاً عادی تلقی می‌شد. با این حال، در همین دوران نیز اصلاحات تجاری که در کشورهای جهان از پایان جنگ دوم جهانی آغاز شده بود، از روندی رو به جلو برخوردار بوده است. پس از پایان جنگ دوم جهانی در محافل بین‌المللی بحث بر سر نیاز به ایجاد سازمان‌های بین‌المللی برای تصدی مسایلی هم‌چون امور مالی، پولی و تجاری بین‌المللی به‌طور جدی مطرح شد. حاصل چنین بحث‌هایی نهایتاً به تشکیل نهادهای بین‌المللی نظیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، منتهی شد. اما تلاش برای تشکیل سازمانی بین‌المللی در زمینه‌ی امور تجاری موفقیتی به‌دست نیاورد. البته، در ۱۹۴۷ در اجلاس هاوانا، ۵۶ کشور جهان به تشکیل چنین سازمانی رأی دادند، اما به‌علت اختلاف‌های شدیدی که بین این کشورها وجود داشت و به‌دلیل این‌که بعدها نمایندگان این کشورها نتوانستند موافقت سیاسی دولت‌هایشان را جلب کنند، این اقدام عملاً به فرجام نیکی نیانجامید. به‌رغم این شکست که در اجلاس هاوانا رخ داد؛ در واقع، همین اجلاس پایه و نطفه‌ی تشکیل چنین سازمانی را نیز ایجاد کرد. در حاشیه‌ی همین اجلاس قراردادی تجاری مشتمل بر ۳۴ ماده توسط ۲۳ کشور شرکت‌کننده (۱۲) کشور

صنعتی و ۱۱ کشور در حال توسعه) امضاء شد که بعدها به موافقت‌نامه‌ی تعرفه و تجارت موسوم به «گات» معروف شد. همین موافقت‌نامه تا ۱۹۹۵ به حیات خود ادامه داد و در این سال با توافقی جدید، که حاصل شد، جای خود را به سازمان جهانی تجارت دارد. گات در طول دوران فعالیت خود که حدود نیم قرن به‌طول انجامید، ضمن وفادار ماندن به اصول اولیه‌ی خود، پیشرفت‌های نسبی‌ای هم در جهت حصول به اهداف اولیه داشت. اهداف اصلی گات، رفع موانع تجاری و کاهش تبعیض در روابط تجاری بین کشورها بود که برای نیل به این اهداف، اصل کاهش تدریجی و نهایتاً حذف تعرفه‌های گمرکی را در دستور کار خود، داشت. بر اساس این اصل تعرفه‌ها تعیین می‌شدند و کشورها نمی‌توانستند نرخ‌های تثبیت شده‌ی خود را افزایش دهند و متعاقباً باید نسبت به کاهش تدریجی نرخ‌های تثبیت شده اقدام می‌کردند. علاوه بر این، کشورها مجاز به استفاده از موانع غیر تعرفه‌ای در حوزه‌های تعیین و توافق شده نبودند. بر این اساس، گات قریب به نیم قرن به حیات خود ادامه داد. مکانیسم حصول توافق در گات مبتنی بر «مذاکره» و به‌دست آوردن توافق کامل بوده است. هر کشوری صاحب یک رأی محسوب می‌شد. گات در طول فعالیت خود موفق به هشت دور مذاکره شد که در هر دور توافق‌ها و پیشرفت‌هایی در کار حاصل شد که به‌مورد اجراء گذاشته شد و مجدداً دور مذاکراتی بعدی سامان یافت و متعاقب آن دوره‌ی اجرای بعدی آغاز شد. آخرین دور مذاکراتی گات که به دور اروگوئه موسوم است از ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۳ ادامه یافت و از جهات مختلف این دور مذاکراتی واجد ویژگی‌های خاصی بود. از طرفی دامنه و حیطه‌ی مباحث بسیار متنوع بود. تجارت خدمات و مباحث

مربوط به بخش کشاورزی و حقوق مالکیت معنوی و نظایر آن برای اولین بار به‌طور گسترده‌ای در مذاکرات و در توافقات وارد شدند. از طرف دیگر، در این دور تعداد اعضای گات نسبت به دوره‌های قبل بیش‌تر شد. برهه مهم‌تر از همه‌ی این موارد، موضوعی که مذاکرات دور اروگوئه را از سایر ادوار مذاکراتی متمایز می‌کند، تغییر شرایط جهانی بود. در این دوره، جهان در حال خارج شدن از دوران جنگ سرد بود و نظم نوینی را طلب می‌کرد. نظم نوینی که تغییرات گسترده‌ای را در سیاست‌های اقتصادی نیز به‌دنبال داشت. از جمله مشخصه‌های مهم این دوران فاصله گرفتن کشورها از سیاست‌های جایگزینی واردات و سیاست مانسلی و روی آوردن به سیاست توسعه صادرات یا به تعبیری برون‌گرایی اقتصادی بود. همین عوامل سبب شد که مذاکرات دور اروگوئه بسیار بحث‌انگیز و حساس شود. در این دوران تقریباً دو سوم اعضای گات را کشورهای در حال توسعه تشکیل می‌دادند. و با توجه به حساسیتی که این کشورها در مباحث جدید از جمله بخش کشاورزی و خدمات از خود نشان دادند، سطح مشارکت این کشورها در مذاکرات افزایش یافت. با وصف این‌که به‌دلیل تضاد منافع کشورهای عضو در زمینه کشاورزی مذاکرات دور اروگوئه چندین بار در آستانه‌ی شکست قرار گرفت، اما بالاخره در ۱۹۹۳ توافق نهایی به امضای نمایندگان کشورهای عضو رسید. در سند نهایی این اجلاس، ایجاد سازمان جهانی تجارت و جایگزینی آن به‌جای گات مورد توافق قرار گرفت. بدین ترتیب در آغاز ۱۹۹۵ گات پس از حدود ۵۰ سال فعالیت جای خود را به سازمان جهانی تجارت / WTO داد تفاوت

سازمان جهانی تجارت با گات در ساختار تشکیلاتی آن است. WTO/ نهادی متشکل و دائمی و دارای پایه‌های حقوقی قویتری نسبت به گات می‌باشد.

برای سازمان جهانی تجارت وظایفی به شرح زیر در نظر گرفته شده است که باید در جهت رسیدن به اهداف سازمان به مورد اجرا گذاشته شود:

- فراهم کردن امکانات گردهمایی اعضاء برای مذاکره و حصول توافق در روابط چند جانبه تجاری؛

- اجرای تفاهم‌ها و مقررات مربوط به روش‌های حل اختلاف؛

- فراهم آوردن مکانیسم بررسی و تجدید نظر در سیاست‌های تجاری؛

- همکاری با صندوق بین‌المللی پول، بانک بین‌المللی، ترمیم و توسعه و سازمان‌های وابسته به آن و هم‌چنین فراهم آوردن زمینه توسعه اهداف موافقت نامه سازمان تجارت جهانی و تسهیل عملیات اجرایی مربوطه.

آنچه که سازمان جهانی تجارت در نهایت مدنظر دارد حرکت به سمت جهانی شدن است که در آن قدرت تولیدی و توان رقابت، حرف اول را می‌زند و این قدرت تحت‌الشعاع اقدامات و دخالت‌های سیاسی قرار نمی‌گیرد.

تاکنون به دلیل دخالت‌های مختلف اقتصادی و سیاسی در تجارت جهانی از طریق دولت‌های ملی، تحقق ایده فوق در مقیاس جهانی عملی نشده است و در واقع با ابزارهای سیاسی از به‌کارگیری شفاف «توان رقابتی» در عرصه اقتصادی جلوگیری شده است و به زعم WTO/

در چنین شرایطی تحقق تجارت عادلانه بر اساس اصول بازار آزاد عملی نیست. در این راستا برای عملی نمودن تجارت عادلانه در جهان باید موانع موجود بر سر راه تجارت آزاد

بر طرف شود و این آن چیزی است که سازمان جهانی تجارت درصدد آن بوده و معتقد است رفع موانع و تسهیل مبادله آزاد تجاری باعث افزایش حجم تجارت بین‌المللی می‌شود.

در واقع آنچه که در صورت تحقق کامل ایده فوق به وجود می‌آید ایجاد زمینه‌های رقابتی و اهمیت یافتن بیش از پیش «کارایی اقتصادی» است. در چنین شرایطی هر کشوری که از نظر اقتصادی کارتر عمل می‌کند می‌تواند.

مانع بیش‌تری کسب کند و در رقابت با سایر کشورها یا کشورها موقعیت بهتری داشته باشد. همان‌گونه که گفتیم سازمان جهانی تجارتی حرکت به سمت شفاف نمودن توان رقابتی اقتصادی کشورها دارد. ولی این به معنی آن نیست که سازمان هم اکنون به چنین مقصودی دست یافته است. در واقع حرکت به این سمت و سو در روندی تدریجی داشته و در حال شدن است.

قبل از این‌که به موضوع تحلیل وضعیت ایران در قبال سازمان تجارت جهانی وارد شویم باید به این نکته کلی اشاره کنیم که اگر سازمان جهانی تجارت به دنبال حذف دخالت‌های غیر اقتصادی در تعیین توان رقابت اقتصادی است و بنابراین از این حیث درصدد تکیه به توان رقابتی و برجسته نمودن کارایی اقتصادی است پس باید هر کشوری در

مواجهه با WTO/ بتواند به این سوال اساسی پاسخ دهد که با توجه به ویژگی‌های اقتصادی موجود، تا چه حد می‌تواند به کارایی اقتصادی خود متکی باشد. البته کارایی منحصر به جنبه‌های اقتصادی نیست و باید معنای گسترده آن مدنظر باشد. به عبارت دیگر کارایی می‌تواند هم به‌طور مستقیم در یک فعالیت اقتصادی خاص در نظر گرفته شود و هم به‌طور غیرمستقیم در فعالیت‌های دیگر نظیر کارایی در

نظام اداری کشور یا کارایی در نظام اجرایی یا کارایی در خدمات عمومی و نظایر آن‌که تأثیر این کارایی‌ها نهایتاً در کاری اقتصادی تبلور و ظهور پیدا می‌کند.

اگر یک واحد اقتصادی یا یک کشور مبانی لازم برای تکیه به کارایی اقتصادی را دارا باشد در این صورت نباید از رقابت و از آزادی تجاری و اهمه‌ای به خود راه دهد.

اما در صورتی که مشکلاتی در مجموعه یک واحد اقتصادی یا یک کشور وجود داشته باشد که به آسانی امکان ایجاد کارایی اقتصادی به‌نحو مطلوب امکان‌پذیر نباشد در این صورت رقابت و آزادی اقتصادی (از نوعی که WTO/ دنبال آن است) در کوتاه‌مدت قطعاً منجر به وارد آمدن لطمات اقتصادی می‌شود و در درازمدت نیز در صورتی که سیستم موجود نتواند خود را به نحوی بازسازی نموده و در جهت افزایش کارایی متناسب با وضعیت جهانی حرکت نماید، لطمات اقتصادی فوق‌الذکر نیز ادامه پیدا می‌کند و می‌تواند منجر به ایجاد بحران در ابعاد مختلف اقتصادی - اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جامعه شود. اما

در صورتی که سیستم موجود تحت تأثیر شرایط جدید فعال‌تر عمل نماید و با سازماندهی مجدد، به سمت برقراری کارایی اقتصادی حداقل در سطحی متناسب با رقبا سوق پیدا کند در این صورت در بلندمدت وضع می‌تواند دگرگون شده و باعث تأمین اقتصادی و رشد و شکوفایی شود.

حال برای ورود به بحث ایران و تحلیل رابطه و جهت‌گیری کشور در ارتباط با WTO/ لازم است مروری بر شرایط موجود جهانی و وضعیت WTO/ داشته باشیم. در شرایط حاصر ۱۳۷ کشور به عضویت سازمان جهانی تجارت در آمده‌اند و در حدود ۳۰ کشور مراحل

نظام اداری کشور یا کارایی در نظام اجرایی یا کارایی در خدمات عمومی و نظایر آن‌که تأثیر این کارایی‌ها نهایتاً در کاری اقتصادی تبلور و ظهور پیدا می‌کند.

اگر یک واحد اقتصادی یا یک کشور مبانی لازم برای تکیه به کارایی اقتصادی را دارا باشد در این صورت نباید از رقابت و از آزادی تجاری و اهمه‌ای به خود راه دهد.

اما در صورتی که مشکلاتی در مجموعه یک واحد اقتصادی یا یک کشور وجود داشته باشد که به آسانی امکان ایجاد کارایی اقتصادی به‌نحو مطلوب امکان‌پذیر نباشد در این صورت رقابت و آزادی اقتصادی (از نوعی که WTO/ دنبال آن است) در کوتاه‌مدت قطعاً منجر به وارد آمدن لطمات اقتصادی می‌شود و در درازمدت نیز در صورتی که سیستم موجود نتواند خود را به نحوی بازسازی نموده و در جهت افزایش کارایی متناسب با وضعیت جهانی حرکت نماید، لطمات اقتصادی فوق‌الذکر نیز ادامه پیدا می‌کند و می‌تواند منجر به ایجاد بحران در ابعاد مختلف اقتصادی - اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جامعه شود. اما

در صورتی که سیستم موجود تحت تأثیر شرایط جدید فعال‌تر عمل نماید و با سازماندهی مجدد، به سمت برقراری کارایی اقتصادی حداقل در سطحی متناسب با رقبا سوق پیدا کند در این صورت در بلندمدت وضع می‌تواند دگرگون شده و باعث تأمین اقتصادی و رشد و شکوفایی شود.

حال برای ورود به بحث ایران و تحلیل رابطه و جهت‌گیری کشور در ارتباط با WTO/ لازم است مروری بر شرایط موجود جهانی و وضعیت WTO/ داشته باشیم. در شرایط حاصر ۱۳۷ کشور به عضویت سازمان جهانی تجارت در آمده‌اند و در حدود ۳۰ کشور مراحل

نظام اداری کشور یا کارایی در نظام اجرایی یا کارایی در خدمات عمومی و نظایر آن‌که تأثیر این کارایی‌ها نهایتاً در کاری اقتصادی تبلور و ظهور پیدا می‌کند.

اگر یک واحد اقتصادی یا یک کشور مبانی لازم برای تکیه به کارایی اقتصادی را دارا باشد در این صورت نباید از رقابت و از آزادی تجاری و اهمه‌ای به خود راه دهد.

اما در صورتی که مشکلاتی در مجموعه یک واحد اقتصادی یا یک کشور وجود داشته باشد که به آسانی امکان ایجاد کارایی اقتصادی به‌نحو مطلوب امکان‌پذیر نباشد در این صورت رقابت و آزادی اقتصادی (از نوعی که WTO/ دنبال آن است) در کوتاه‌مدت قطعاً منجر به وارد آمدن لطمات اقتصادی می‌شود و در درازمدت نیز در صورتی که سیستم موجود نتواند خود را به نحوی بازسازی نموده و در جهت افزایش کارایی متناسب با وضعیت جهانی حرکت نماید، لطمات اقتصادی فوق‌الذکر نیز ادامه پیدا می‌کند و می‌تواند منجر به ایجاد بحران در ابعاد مختلف اقتصادی - اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جامعه شود. اما

در صورتی که سیستم موجود تحت تأثیر شرایط جدید فعال‌تر عمل نماید و با سازماندهی مجدد، به سمت برقراری کارایی اقتصادی حداقل در سطحی متناسب با رقبا سوق پیدا کند در این صورت در بلندمدت وضع می‌تواند دگرگون شده و باعث تأمین اقتصادی و رشد و شکوفایی شود.

حال برای ورود به بحث ایران و تحلیل رابطه و جهت‌گیری کشور در ارتباط با WTO/ لازم است مروری بر شرایط موجود جهانی و وضعیت WTO/ داشته باشیم. در شرایط حاصر ۱۳۷ کشور به عضویت سازمان جهانی تجارت در آمده‌اند و در حدود ۳۰ کشور مراحل

نظام اداری کشور یا کارایی در نظام اجرایی یا کارایی در خدمات عمومی و نظایر آن‌که تأثیر این کارایی‌ها نهایتاً در کاری اقتصادی تبلور و ظهور پیدا می‌کند.

اگر یک واحد اقتصادی یا یک کشور مبانی لازم برای تکیه به کارایی اقتصادی را دارا باشد در این صورت نباید از رقابت و از آزادی تجاری و اهمه‌ای به خود راه دهد.

اما در صورتی که مشکلاتی در مجموعه یک واحد اقتصادی یا یک کشور وجود داشته باشد که به آسانی امکان ایجاد کارایی اقتصادی به‌نحو مطلوب امکان‌پذیر نباشد در این صورت رقابت و آزادی اقتصادی (از نوعی که WTO/ دنبال آن است) در کوتاه‌مدت قطعاً منجر به وارد آمدن لطمات اقتصادی می‌شود و در درازمدت نیز در صورتی که سیستم موجود نتواند خود را به نحوی بازسازی نموده و در جهت افزایش کارایی متناسب با وضعیت جهانی حرکت نماید، لطمات اقتصادی فوق‌الذکر نیز ادامه پیدا می‌کند و می‌تواند منجر به ایجاد بحران در ابعاد مختلف اقتصادی - اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جامعه شود. اما

در صورتی که سیستم موجود تحت تأثیر شرایط جدید فعال‌تر عمل نماید و با سازماندهی مجدد، به سمت برقراری کارایی اقتصادی حداقل در سطحی متناسب با رقبا سوق پیدا کند در این صورت در بلندمدت وضع می‌تواند دگرگون شده و باعث تأمین اقتصادی و رشد و شکوفایی شود.

حال برای ورود به بحث ایران و تحلیل رابطه و جهت‌گیری کشور در ارتباط با WTO/ لازم است مروری بر شرایط موجود جهانی و وضعیت WTO/ داشته باشیم. در شرایط حاصر ۱۳۷ کشور به عضویت سازمان جهانی تجارت در آمده‌اند و در حدود ۳۰ کشور مراحل

نظام اداری کشور یا کارایی در نظام اجرایی یا کارایی در خدمات عمومی و نظایر آن‌که تأثیر این کارایی‌ها نهایتاً در کاری اقتصادی تبلور و ظهور پیدا می‌کند.

اگر یک واحد اقتصادی یا یک کشور مبانی لازم برای تکیه به کارایی اقتصادی را دارا باشد در این صورت نباید از رقابت و از آزادی تجاری و اهمه‌ای به خود راه دهد.

در سند
نهایی اجلاس دور اروپا،
ایجاد
سازمان جهانی تجارت
و
جایگزینی آن
به جای گات
مورد توافق شرکت‌کنندگان
قرار گرفت



به نظر
می‌رسد
جایی برای این که
ایران
بتواند
سازمان جهانی تجارت
را
ندیده
بگیرد،
وجود ندارد

عضویت خود را در این سازمان سپری می‌کنند. غیر از روسیه و چین تقریباً تمام کشورهای مهم و صنعتی جهان عضو این سازمان هستند و این دو کشور نیز مراسل پایان تشریفات عضویت را طی می‌کنند.

از طرف دیگر جهان پس از دوران جنگ سرد وارد مرحله جدید شده است که در این مرحله بر خلاف دوران جنگ سرد از اهمیت توان نظامی یا سیاسی کاسته شده و به اهمیت توان اقتصادی پیش از پیش افزوده شده است. به عبارت دیگر اقتصاد محور فعل و انفعالات بین‌المللی تلقی می‌شود آن هم اقتصادی که مبنای آن عمدتاً نظام بازرگ آزاد و رقابتی است. در چنین شرایطی دستاوردهای رشد و انقلاب در تکنولوژی اطلاعات و سایر زمینه‌های فن‌آوری باعث شده است که هزینه فاصله‌ها به شدت و سرعت کاهش یابد و به همین اساس امکان فنی برای تولید و تجارت کالاها و خدمات در مقیاسی جهانی از هر زمان دیگری فراهم‌تر شده است. در کنار همه این تحولات همگرایی کشورهای اروپایی و ایجاد اروپای واحد با حذف مرزها و موانع فنی مابین و به رسمیت شناختن مبادله نسبتاً آزادانه عوامل تولید در این کشورها علاوه بر اهمیتی که از دیدگاه اقتصادی دارد در واقع نمادی گرایش به سمت تبدیل مرزهای ملی به مرزهای منطقه‌ای و جهانی در وسیع‌ترین و همه‌جانبه‌ترین شکل آن است.

با توجه به جمع جهات فوق باید نسبت به تحلیل شرایط ایران در ارتباط با WTO اقدام شود. در واقع WTO را باید یکی از جنبه‌های تحول جدیدی که در شرایط بین‌المللی رخ داده است در نظر گرفت و نه همه‌ی آن. بر این اساس قبل از آن که کشور ما نگرش و تصمیمی را ارتباط با WTO اتخاذ کند باید بتواند نسبت به تحول فراگیری تری که در عرصه بین‌المللی رخ داده است، موضع‌گیری و طبیعتاً در

چهارچوب این اقدام موضوع WTO هم نمی‌تواند بی‌پاسخ بماند. واقعیت این است که آنچه که در سیاست خارجی و رویه‌های مورد عمل در ایران بعد از انقلاب رخ داده است نه تنها هماهنگی و هم‌سویی با تحولات بین‌المللی نداشته باشد بلکه در موارد عدیده‌ای بر خلاف آن رقم خورده است. در دو دهه‌ی اخیر سیاست‌های اقتصادی در جهان و کشورهای در حال توسعه از سیاست جایگزینی واردات به سوی سیاست‌های برون‌گرا و صادرات‌گرا تغییر مسیر داده است و درست در شرایطی که در جهان حرکت به این مسیر هدف گذاری می‌شد در ایران به دلیل شرایط انقلابی حادث شده و به دلیل نگرش ویژه مسئولان کشور به سمت حنایش‌تر کردن اقتصاد و خودکفایی و عزت‌گیری اقتصادی و دوری هر چه بیش‌تر از عرصه‌های بین‌المللی حرکت کرد.

در شرایطی که جهان آماده‌ی خروج از شرایط جنگ سرد بود و گام به مسیر جدید می‌گذاشت که در آن تنش‌زدایی در روابط بین‌الملل در سیاست خارجی افراطی‌ترین کشورها تلور پیدا می‌کرد. سیاست خارجی ما نحواسته یا ناخواسته با تنش‌های متعددی مواجه بود که تأثیراتی مشابه به تأثیر منفی جنگ سرد به همراه داشت.

در شرایطی که در عرصه بین‌المللی از تأثیر تعیین‌کنندگی توان نظامی و سیاسی به نفع توان اقتصادی و رقابتی کاسته می‌شد و کشورهای جهان با تمام توان در مسیر تسبیح قدرت رقابتی پیش‌تر و اقتصادی قوی‌تر حرکت منسجمی را پایه‌ریزی می‌کردند ما وزنه اصلی را به موضع‌گیری‌های سیاسی نه چندان سنجیده و ناهماهنگ با روح عمومی حاکم بر روابط بین‌الملل داده و بدان دل خوش کرده بودیم و کسب توان اقتصادی بالا در اولویت‌های بعدی ما قرار داشت به همین لحاظ سیاست خارجی ما کم‌تر با منافع اقتصادی ما هماهنگی نشان داده است. در همین راستا در شرایطی که کشورهای موفق در عرصه اقتصادی با تمام توان در جهت اتخاذ سیاست‌هایی که کارایی بالایی اقتصادی را موجب شوند و شرایط رقابتی تری در اقتصاد داخلی ایجاد کنند، حرکت می‌کردند. مقوله رقابتی شدن فعالیت‌های اقتصادی و افزایش کارایی در ایران در پیچ‌وخم ملی کردن‌ها و دولتی‌سازی فعالیت‌ها به قربان‌گاه فرستاده می‌شد.

در سایه چنین اقداماتی ما به تدریج هماهنگی و وجوه مشابه رویه‌های ملی خود را با رویه‌های بین‌المللی مورد عمل در جهان از

دست دادیم.

به نظر می‌رسد جایی برای این که ایران بتواند سازمان جهانی تجارت را ندیده بگیرد وجود ندارد. این سازمان در شرایط بین‌المللی موجود ایجاد شده رشد یافته و با اقبال و اجماع کشورهای جهان روبه‌رو شده است لذا اگر ایران می‌خواهد در عرصه‌های اقتصادی جایگاهی در سطح جهان برای خود رقم بزند ناگزیر است که نسبت به قواعدی که دنیا برای آن‌ها اهمیت قائل است احساس مسئولیت و پابندی کند. اصولاً ناممکن است که یک بازی خاص را بتوان با دو قاعده متفاوت و متضاد پیش برد. بنابراین اگر به فکر کسب موفقیت‌های برای اقتصاد کشور هستیم نباید روح عمومی حاکم بر اقتصاد جهانی و از جمله سازمان جهانی تجارت را نادیده بگیریم اساساً باید بپذیریم که قواعد مورد اتفاق در عرصه جهانی، خارج از کنترل ما تعیین می‌شوند و هیچ کشوری از جمله ما نمی‌توانیم راساً آن‌ها را تعیین کنیم. بنابراین در دوران جدیدی که تحولاتی در سیاست‌های خارجی و داخلی ما ایجاد شده یا در حال رخ دادن است باید جایی برای تغییر نگرش‌ها و سیاست‌های اقتصادی - سیاسی خود در ارتباط با سازمان جهانی تجارت در نظر بگیریم.

بنابراین اکنون بیش از آنکه بحث در خصوص به رسمیت شناختن یا نشناختن WTO باشد، بر سر این است که برای کاهش نگرانی از اثرات سوءالحاق به سازمان جهانی تجارت چه باید کرد؟ اکنون اولویت ما حتماً الحاق به WTO نیست که خود ممکن است فرآیندی زمان‌بر باشد، بلکه اتخاذ موانع عملی مناسب در کاهش شکاف بین سیاست‌های داخلی اقتصادی و سیاست‌های بین‌المللی موجود در جهان است. باید سعی نمود در داخل کشور نهادهای لازم برای نیل به موفقیت در دست‌یابی به کارایی اقتصادی فراهم شود. به نظر می‌رسد اتخاذ یک استراتژی اقتصادی نگاه به خارج به همراه حرکت به سمت قطع وابستگی به درآمدهای نفتی می‌تواند در راستای هماهنگی با فضای بین‌المللی موجود تلقی شود. البته دامنه تغییرات و تحولاتی که باید در داخل صورت گیرد بسیار گسترده است. اساساً بدون نهادسازی‌های اقتصادی و اجتماعی و بدون ایجاد تغییرات فرهنگی لازم است و بدون اصلاح نگرش‌های قبلی در عرصه‌های مختلف سیاسی و بین‌المللی، کسب آمادگی لازم در جهت فعالیت و موفقیت در عرصه‌های اقتصادی بین‌المللی میسر نیست.